



ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 10706

Date of filing: 10 Feb 87

** AWARD - Type of Award _____
- Date of Award _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of Mr Holtzman
- Date 10 Feb 87
_____ pages in English 9 pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL
DISSENTING OPINION OF HOWARD M. HOLTZMANN

Case No. 10706

Chamber One

پرونده شماره ۱۰۷۰۶

شعبه یک

حکم شماره ۱-۱۰۷۰۶-۲۹۱

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داوری دعوی ایران-ایالات متحده
ثبت شد - FILED	
Date	10 FEB 1987 تاریخ
	۱۳۶۵ / ۱۱ / ۲۱
No.	10706 شماره

English version Filed on 29 Jan 1987 نسخه انگلیسی در تاریخ ۲۹/۱/۱۳۶۵ ثبت شده است.
--

DUPLICATE
 ORIGINAL
 نسخه برابر اصل

سینت رجیس پیپر کامپنی،

(ادعای کمتر از ۲۵۰،۰۰۰ دلار

مطروح توسط ایالات متحده آمریکا)،

خواهان،

- و -

جمهوری اسلامی ایران،

خوانده.

نظر مخالف هوارد ام هولتزمن

این پرونده یکی از هزاران "ادعای" به اصطلاح "کوچک" (یا کمتر از ۲۵۰،۰۰۰ دلار) است که از طرف خواهانهای مختلف به دیوان ارائه شده است. در حکم، ادعا مردود شناخته شده زیرا به نام سینت رجیس پیپر کامپنی ("سینت رجیس") طرح شده و نه اسپان دک، اینکورپوریتد ("اسپان دک") شرکت وابسته و صد درصد متعلق به سینت رجیس، که به

عنوان یک شرکت تشکیل یافته در ایالات متحده می توانست و می بایست طبق مفاد بیانیه حل و فصل دعاوی به عنوان خواهان نامیده شود. دیوان از دادن اجازه اصلاح دادخواست و رفع این نقص فنی به سینت رجیس امتناع کرد. و این نتیجه گیری خشک علیرغم این واقعیت بدست آمد که خواهان در دادخواست خود خوانده را از کلیه واقعیات اساسی پرونده از جمله تاریخ امضای قرارداد و اسامی امضاء کنندگان آن و مبلغ قرارداد و حتی شماره صورتحساب مطلع ساخته بود. هر چند در دادخواست نام اسپان دک ذکر نشده، مدافعات خوانده نشان می دهد که کاملاً آگاه بوده که قرارداد با اسپان دک منعقد شده بود. به علاوه، ورود لطمه ای به خوانده نشان داده نشده است.

اینجانب با حکم صادره مخالفم زیرا به نظر من رای اکثریت برخلاف قواعد دیوان است که آزادانه اجازه اصلاح دادخواستها را داده و همچنین برخلاف رویه ما در پرونده های مشابهی است که هرگاه منجر به لطمه ای نمی شده اصلاح دادخواست مجاز شناخته شده و نیز به این علت که واقعیات عملی را که خواهانهای پرونده های ادعاهای کوچک با آنها روبرو هستند نادیده گرفته است.

یک

دادخواست این پرونده در ۱۹ ژانویه ۱۹۸۲ (۲۹ دی ماه ۱۳۶۰) به ثبت رسید. ادعا توسط دولت ایالات متحده، از طرف سینت رجیس پیپر کامپنی ارائه شده بود و دادخواست از لحاظ بیان کاملاً مشخص بود. در دادخواست ادعا شده بود که شرکت ساختمانی دی که یک موسسه بزرگ ساختمانی ایرانی بود، برای فروش "قطععات یدکی" قراردادی منعقد نموده و مبلغ ۲۱،۵۰۷ دلار بابت صورتحسابهای تادیه نشده قطععات بدهکار بود. دادخواست موضوع را فراتر برده و توضیح می دهد که:

در ۲۴ و ۲۶ و ۲۷ ژانویه ۱۹۷۷ (۴ و ۶ و ۷ بهمن ماه ۱۳۵۶) سینت رجیس پیپر کمپانی بموجب موافقتنامه مورخ ۲۹ نوامبر ۱۹۷۶ (۵۵/۹/۸) به امضای مایک کوزرابسین و ریچارد هاوس من قطععات یدکی برای شرکت ساختمانی دی مقیم شماره ۷۵ فخر رازی تهران - ایران حمل نمود. محمولات براساس بارنامه شماره ۳۵۳۰۴۵ و ۳۵۳۰۴۸ و ۳۵۳۰۴۹ و صورتحساب شماره ۳۸۱۱ مورخه ۸ مارس ۱۹۷۷ (۵۶/۱۲/۱۷) ارسال شد. در آوریل ۱۹۷۹ (فروردین ماه ۱۳۵۸) شرکت ساختمانی دی اقرار به مبلغ بدهی خود بابت قطععات یدکی نمود. مبلغ -/۲۱,۵۰۷ دلار باید در آوریل ۱۹۷۹ (فروردین ۵۸) پرداخت می شد ولی در نتیجه اعمال خلاف قانون و قصور و غفلت ایران وصول نگردیده است. این مبلغ بعلاوه خسارات متعاقبه و مربوط اساس کلی ادعای مشروحه فوق را تشکیل می دهد.

در تاریخ ۲۰ ژوئن ۱۹۸۴ (۳۰ خرداد ماه ۱۳۶۳) دادخواست تکمیلی به ثبت رسید که اطلاعات واقعی دیگری درباره ادعا ارائه داد. این سند روشن ساخت که اسپان دک طرف قرارداد بوده و سینت رجیس صرفاً از طرف شرکت تابعه خود اقامه ادعا کرده بود. مبانی حقیقی و حقوقی ادعا بلا تغییر باقی ماند. به زحمت می توان باور کرد که شرکت دی قبلاً نمی دانست که اسپان دک قرارداد را امضاء کرده است. در واقع شرکت دی در هیچیک از مراحل رسیدگی انکار نکرده که اسپان دک طرف این معاملات بوده است.

جلسه استماع این پرونده در ۲۵ نوامبر ۱۹۸۶ (۴ آذر ماه ۱۳۶۵) تشکیل شد و ایالات متحده در این جلسه درخواست کرد به وی اجازه داده شود ادعا را اصلاح و اسپان دک را به عنوان خواهان اضافه نماید و استدلال نمود که این امر منجر به لطمه‌ای به شرکت دی نخواهد شد زیرا دی به خوبی از هویت اسپان دک و همچنین معامله انجام شده آگاه بوده است. استدلال ایالات متحده این بود که در چنین شرایط، مقررات دیوان اجازه اصلاح دادخواست را می دهد.

دو

همانگونه که در حکم اشاره شده ماده ۲۰ قواعد دیوان به طور وسیع اجازه اصلاح دادخواست را می دهد مگر اینکه اینگونه اصلاحات منتهی به لطمه یا تاخیر یا زیان شود. این ماده مقرر می دارد که:

"در طول جریان داوری هر یک از طرفها می تواند دادخواست یا دفاعیه خود را اصلاح یا تکمیل نماید مگر آنکه دیوان داوری اینگونه اصلاحات را به علت تاخیر در انجام آن و یا تبعیض نسبت به طرف دیگر یا به علت هر گونه شرایط و اوضاع و احوال دیگر مصلحت نداند. با اینحال، دادخواست ها را نمی توان به نحوی اصلاح کرد که دادخواست اصلاح شده از حیثه شمول قید داوری و یا موافقت نامه جداگانه داوری خارج شود."

دیوان در چندین پرونده به موضوع تسلیم اصلاحیه متضمن افزودن طرفهای اضافی رسیدگی کرده است. در پرونده‌هایی که دیوان اصلاحیه را در حکم کوشش برای ثبت ادعائی جدید بعد از گذشت مهلت صلاحیتی تلقی کند، از قبول آن امتناع خواهد کرد. برای نمونه رجوع شود به امتناع از قبول ادعای ریموند اینترنشنال (یو.کی) لیمیتد (امتناع ثبت شماره ۲۱) تصمیم شماره ۱۸ آر ئی اف - ۲۱ دیوان عمومی (۸ دسامبر ۱۷/۱۹۸۲ آذر ماه ۱۳۶۱). برعکس وقتی منظور از اصلاحیه صرفاً "روشن کردن هویت خواهان واقعی باشد دیوان در همه موارد اصلاحیه را مجاز می شمارد. برای نمونه رجوع شود به امتناع از ثبت ادعای ای ام اف اورسیز کورپوریشن (امتناع شماره ۲۰) تصمیم شماره ۱۷ آر ئی اف - ۲۰ دیوان عمومی (۸ دسامبر ۱۹۸۲ - ۱۷ آذر ماه ۱۳۶۱).

در تصمیم به مجاز شمردن اصلاحیه، توجه اصلی این بوده که آیا تاخیری که در اثر عنوان کردن دقیق ادعا ایجاد شده احتمالاً به طرف مقابل لطمه خواهد زد یا نه. برای

نمونه در پرونده کال ماین فودز، اینکوریوریتد و جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۳-۳۴-۱۳۳ (۱۱ ژوئن ۲۱/۱۹۸۴ خرداد ماه ۱۳۶۳) دیوان از دادن اجازه تسلیم اصلاحیه‌ای که در آن ادعای جدیدی بابت چند حساب دریافتی اضافه می شده امتناع کرد زیرا احتمال می داد که تاخیر در اقامه ادعای اضافی به خواندگان لطمه وارد آورد.

از طرف دیگر، وقتی احتمال تضییع حق نمی رفته، دیوان آزادانه اصلاحیه ها را مجاز شمرده است. برای نمونه در پرونده اوستین کامپنی و ماشین سازی اراک، حکم شماره ۲-۲۹۵-۲۵۷ (۳۰ سپتامبر ۱۹۸۶ (۸ مهر ماه ۱۳۶۵) خواهان، ماشین سازی اراک را در یک ادعای مبتنی بر قرارداد کارخانه فولاد سازی و قرارداد دیگری بابت قطعات یدکی خوانده قلمداد کرد. پس از آنکه ماشین سازی مسئولیت بابت قرارداد دوم را انکار نمود خواهان سعی کرد دادخواست را اصلاح و شرکت دیگری یعنی ماشین سازی پارس را به عنوان خوانده ادعای مربوط به قطعات یدکی نام برد. ماشین سازی پارس به اصلاحیه اعتراض و استدلال کرد که این امر کوششی برای طرح ادعای جدید بعد از مهلت صلاحیتی است. دیوان این استدلال را رد کرد و اصلاحیه را مجاز شمرد ضمن اینکه خاطر نشان کرد که در دادخواست اولیه نامی از ماشین سازی پارس برده نشده بود. دیوان حتی مشخصاً با ذکر پرونده ای ام اف اورسینز یادآور شد که نام ماشین سازی پارس در صورتحساب و تلکس پیوست دادخواست آمده بود. بنابراین نتیجه گرفت که اصلاحیه به منزله "توضیح مجاز هویت خوانده واقعی" است. همان ماخذ ص ۳. همچنین رجوع شود به پرونده کمپنلی کلارک کوریوریشن و بانک مرکزی ایران، حکم شماره ۲-۵۷-۴۶ (۲۵ مه ۴/۱۹۸۳ خرداد ماه ۱۳۶۲) (وقتی تبعیض اثبات نشود اصلاحیه و افزودن خوانده جدید مجاز است) هارنیشفرگ کوریوریشن و وزارت راه و ترابری، حکم شماره ۳-۱۸۰-۱۷۵ (۲۶ آوریل ۶/۱۹۸۵ اردیبهشت ۱۳۶۴) (وقتی تبعیض اثبات نشود، اصلاحیه و افزودن خوانده جدید مجاز است).

در پرونده حاضر دلیل مجاز شمردن اصلاحیه از آن هم محکمتر است زیرا سینت رجیس سعی ندارد خواننده جدیدی بیافزاید و شرکت دی نیز از مبنای واقعی ادعا آگاه بوده است. بدین ترتیب برخلاف خواننده پرونده اوستین کامپنی که بعداً اضافه شد، شرکت دی نمی تواند ادعا کند غافلگیر شده است.

به همین نحو در پرونده امریکن اینترنشنال گروپ، اینکوریوریتد و جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۳-۲-۹۳ (۱۹ دسامبر ۲۸/۱۹۸۳ آذر ماه ۱۳۶۲) دیوان اجازه داد ادعا اصلاح و شرکت وابسته خواهان اصلی بعنوان خواهان اضافه شود و چنین توضیح داد که:

"این اصلاحیه مبلغ خواسته یا مبنای ماهوی یا حقوقی ادعا را تغییر نمی دهد و نمی توان گفت که موجب تضییع حق خواننده می شود. ماده ۲۰ قواعد دیوان ولو اینکه مستقیماً" مصداق نداشته باشد ما را در اتخاذ تصمیم راجع به این پرونده هدایت می کند در شرایط حاکم بر پرونده حاضر جایز ندانستن اصلاحیه نوعی ظاهر گرائی است که توجیه آن مشکل است."

همان ماخذ ص ۹ (تاکید اضافه شده است)

سرانجام، دیوان در پرونده فرست تراول کوریوریشن و دولت جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۱-۳۴-۲۰۶ (۳ دسامبر ۱۲/۱۹۸۵ آذر ماه ۱۳۶۴) اصلاحیه را در موردی کاملاً شبیه به پرونده حاضر مجاز دانست. در آن پرونده ادعا بدواً توسط ترانسپورتیشن کانسالتنتس اینترنشنال ("تی سی آی") شرکت وابسته و کاملاً متعلق به فرست تراول کوریوریشن ("اف تی سی") ثبت شده بود. بعداً معلوم شد که تی سی آی ادعای خود را قبل از ثبت در دیوان به اف تی سی انتقال داده بود. دیوان به استناد پرونده ای ام اف اورسیز اجازه اصلاحیه و جایگزین کردن اف تی سی، مالک واقعی ادعا را بجای تی سی آی داد (تی سی آی در آن تاریخ به شرکت دیگری فروخته شده بود). همان ماخذ ص ۹. مانند ادعای حاضر، آن اصلاحیه صرفاً تطابق اظهارات با واقعیات امور

بوده که برای همه افراد درگیر در پرونده واضح بود. در نتیجه احتمال تضییع حق وجود نداشت.

رای صادره در پرونده فرست تراول با استدلال اکثریت در این پرونده، مبنی بر اینکه ما باید این اصلاحیه را رد کنیم زیرا سینت رجیس با اسپان دک یا بدون آن خواهان واقعی این پرونده نیست، تناقض دارد. عیناً همین استدلال در پرونده فرست تراول امکان داشت. در موقع ثبت ادعاء، تی سی آی مالک ادعا و در نتیجه خواهان واقعی نبود. معهدا دیوان با آگاهی کامل از ماده ۲۰ قواعد خود اجازه اصلاح و جانشینی اف تی سی به جای تی سی آی را داد.

بطوری که تحلیل حاضر از رویه دیوان روشن می سازد دیوان آزادانه اجازه داده دادخواستها اصلاح و خواهانها و خوانده ها و ادعاهای جدیدی اضافه شود و معیار اصلی در مجاز شمردن یا مجاز نشمردن چنین اصلاحیه‌ای این است که آیا احتمال می رود طرف مقابل متحمل لطمه‌ای شود یا خیر. به نظر اینجانب رد درخواست تسلیم اصلاحیه حاضر در حکم "نوعی ظاهر گزائی است که توجیه آن دشوار است" امریکن اینترنشنال گروپ مذکور در فوق، ص ۹.

سه

در پرونده حاضر دلیل دیگری هم وجود دارد که باید با درخواست اصلاحیه حاضر موافقت نمود. از آنجا که این ادعا کمتر از ۲۵۰،۰۰۰ دلار است طبق بند ۳ ماده سه بیانیه حل و فصل دعاوی توسط ایالات متحده آمریکا به نمایندگی از طرف خواهانها ارائه شده است. ایالات متحده رویهم ۲،۷۸۲ فقره از این ادعاهای کوچک را از طرف خواهانهای

مختلف اقامه کرده است. رجوع شود به گزارش سال ۱۹۸۴/۸۵ دیوان ص ۲۵ (انگلیسی)
(۵ دسامبر ۱۴/۱۹۸۵ آذر ماه ۱۳۶۴).

بدین ترتیب لازم بود که ایالات متحده مقدار فراوانی اطلاعات مفصل را ظرف مدت کوتاهی جمع آوری کند تا بتواند قبل از موعد مقرر صلاحیتی یعنی ۱۹ ژانویه ۱۹۸۲ (۲۹ دی ماه ۱۳۶۱) به ثبت رساند. ایالات متحده ناگزیر بود متکی به اطلاعاتی باشد که از جانب اشخاصی داده می شد که این ادعاهای کوچک از طرف آنها طرح می شد. قابل درک است که در شرایط بی سابقه‌ای که معاهدات الجزیره ایجاد کرده بود این اشخاص همیشه از الزامات فنی لوایح آگاه نبودند و ایالات متحده تهیه فرصت کمی برای بررسی واقعیات هر پرونده قبل از طرح آنها داشت. در چنین شرایطی، نقائص فنی لوایح نباید از توجه دیوان به ادعاهائی که از سایر لحاظ بخوبی ارائه شده مانع شود به ویژه در مواردی مانند مورد حاضر که برای خواننده، غافلگیری یا تضییع حقی وجود نداشته است.

چهار

اینجانب نمی توانم با حکم حاضر موافقت کنم زیرا این حکم قواعد دیوان را نادیده می گیرد و مغایر با رویه ما در مجاز شمردن اینگونه اصلاحیه ها است و مشکلات عملی را که در تهیه لوایح ادعاهای کوچک وجود داشته در نظر نمی گیرد. نتیجه این حکم بستن در دیوان به روی این خواهان و عدم پذیرش ادعائی است که به نظر می رسد به خوبی توجیه شده است. رد این ادعا هیچ دلیلی جز الزامات بیش از اندازه فنی در مسائل شکلی تهیه لوایح ندارد. اینجانب اصلاحیه را مجاز می شمردم و ادعا را براساس ماهیت مورد رسیدگی قرار می دادم.

- ۹ -

لاہہ، به تاریخ ۰۱ فوریه ۱۹۸۷ برابر با ۱۲ بیہمن ماہ ۱۳۶۵



ہوارد ام. ہولتزمین

م. ف / م . ب